



## یادداشت‌های داروخانه

دکتر فریدون سیامک‌نژاد

### مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زنیم تا راهی محل کار شویم، با افراد زیادی برخورد می‌کنم و رو به رو می‌شویم که هر کدامش می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از برخورد احتمالی با رفته‌گر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک بهدلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی سوار وسیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی که آن را ترک می‌گیریم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌ای برایمان باشد، یا خاطره‌ای را از زمان‌های دور برایمان زنده کند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌گیریم، بستگی به نوع کاری که داریم، همه‌اش می‌تواند تداعی‌کننده مسأله یا احیاناً خاطره‌ای باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انسان‌ها و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغیری و کبری چیزی‌ها می‌رسیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی است که کارکردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد. بنابراین، تصمیم گرفتم تا مسایل بوجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشت‌های داروخانه» قلمی کنم. مطالبی که در بی‌می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مسایل جاری داروخانه است. تا چه قبول افتاد و چه در نظر آید.

### یادداشت ۱

چی خوب است؟

توضیح دادم که برای تقویت حافظه و رفع خستگی و ایجاد نشاط تجویز می‌شود. البته، به ایشان هم گفتم که باید حتماً یک دوره ۳ تا ۴ ماهه خورده شود تا اثر آن آشکار گردد. ظاهراً قبل تراها برای یکی دو هفتاهی از این دارو مصرف کرده بوده و چون نتیجه‌های نگرفته، دارو را قطع کرده است!

### یادداشت ۳

نسخه پروپیمانی داشت. نسخه‌های قلبی معمولاً همین طور است. تازه برای چهار ماه مریض هم دارو تجویز شده بود. داروها را که جلوی مریض گذاشت، شروع کرد به وارسی کردن آن‌ها! گفتم اجازه دهید من کنترل کنم، بعداً شما هر چه خواستید وارسی کنید. یکی از داروها کارخانه‌اش عوض شده بود و مریض با آن آشنا نبود. سؤال کرد که این دارو چیست؟ گفتم: اسیدفولیک است.

ذره‌بین از جیش بیرون آورد و شروع به وارسی روی دارو کرد. بعداً گفت این که نوشته: فولیک اسید!

خندام گرفت و گفتم انگلیسی نوشته! امان از نصفه نیمه بلد بودن هر چیزی از جمله انگلیسی!

### یادداشت ۴

خانمی حدوداً سی ساله به نظر می‌رسید که بچه تقریباً شش ساله‌ای همراهش بود. تقاضای شربت سرماخوردگی کودکان و سوسپانسیون

مسئله درخواست آنتی‌بیوتیک در داروخانه که بیشتر هم آموکسی‌سیلین ۵۰۰ میلی‌گرم است، کاملاً عادی شده است! تجویز درخواست هم متفاوت است. یعنی عنوان می‌کنند که ادامه درمان است و دارویشان را جا گذاشته‌اند! بعضی هم می‌گویند که دکترشان تلفنی تجویز کرده است! بعضی هم ظاهراً همسایه‌ای، عمه‌ای، دخترخاله‌ای و یا سوپری محله برایشان توصیه و سفارش داشته است. به همه آن‌ها هم گفته می‌شود که حتماً باید یک دوره هفت‌روزه آنتی‌بیوتیک بخورند تا عفونت کاملاً ریشه کن شود. مراجعه کننده این دفعه که ظاهراً تلفنی از پزشکش سؤال کرده بود و به داروخانه مراجعه نموده بود، یک ورق آموکسی‌سیلین خواست و در مقابل توصیه نیاز به دو برگ و درمان یک دوره هفت‌روزه توجه نکرد. به تکنیسین داروخانه گفتم: ما حرف خودمان را می‌زنیم و مردم هم ظاهراً خر خودشان را سوار هستند.

### یادداشت ۲

بعضی از داروها مثل مسکن‌ها یا آنتی‌بیوتیک‌ها معمولاً بعد از یکی دو ساعت اثراشان بروز کرده و مریض احساس می‌کند که دردش تسکین یافته یا مثلاً عفونت دندانش کاهش پیدا کرده است. ولی بعضی از داروها حداقل در یک دوره ۳ تا ۶ ماهه باید مصرف شوند تا اثراشان بروز و ظهرور یابد. نسخه‌اش را که به تکنیسین داروخانه ارایه کرد، متوجه شدم که برایش داروی «جینکوپیلوبا» تجویز شده است. سؤال کرد که این دارو برای

تکنیسین داروخانه با خونسردی به ایشان پاسخ داد که قرص‌های جوشان ویتامین C با طعم لیمو و پرتقال است و ربطی به واژلین ندارد! طرف که متوجه گاف خود شده بود، عذرخواهی کرد و بدون تهیه واژلین، داروخانه را ترک کرد.

#### یادداشت ۶

داروهای داخل سبد را که دید، گفت:  
از این شربت با طعم توت‌فرنگی ندارید؟  
مقصودش سوسپانسیون استامینوفن با طعم توت‌فرنگی بود.  
گفتم: فعلاً نیست.

پاسخ شنیدم که: این بچه شربت تلخ را نمی‌خورد!  
به شوخي گفتم: شربت باید تلخ باشد تا اثر داشته باشد! شربت به لیمو نیست که خوش مزه باشد!  
باز هم به شوخي گفتم: یک عدد توت‌فرنگی همراه با یک قاشق شربت، همان خاصیت را دارد!  
امان از دست بچه‌های امروزی، که رئیس خانه هستند و نمی‌شود بهشان گفت، بالای چشمانه ابرو است!

آموکسیسیلین ۲۵۰ میلی‌گرمی داشت. پرسیدم که برای چی می‌خواهد؟ با دست به سوی بچه اشاره کرد و گفت: هر وقت ایشان دچار سرماخوردگی می‌شود، این دو تا را به او می‌دهم!

در مقابل ایراد من هم گفت: البته زیاد نمی‌دهم، آنقدر که خوب شد، آنتی‌بیوتیک را قطع می‌کنم! به ایشان گفتم که عذر بدنتر از گناه آور دید و اصلاً بچه شما احتیاجی به آنتی‌بیوتیک ندارد و با همان شربت سرماخوردگی کودکان، عالیم بیماری برطرف شده و بهبودی حاصل خواهد شد.

#### یادداشت ۵

واژلین‌هایی که در داروخانه وجود دارد یا دارای انسانس است که به آن واژلین معطر می‌گویند، یا بدون انسانس است که واژلین بدون بو است. مردی حدوداً چهل ساله بود و از تکنیسین داروخانه سراغ واژلین گرفت. برایش مسأله‌ای را که در بالا توضیح دادم، شرح داد و منتظر پاسخ مراجعه کننده ماند. طرف کمی این پا و آن پا شد و یک واژلین با طعم لیمو درخواست کرد!